

کوتاه و خواندنی

تماشایان نابینا



در بسیاری از نواحی جهان از حیواناتی مانند میمون، خرس و مار برای سرگرمی مردم استفاده می‌کنند. شهرنشینان به این ترتیب سرگرم می‌شوند اما حیوانات برای این کار رنج زیادی می‌کشند. به عنوان مثال ۲۰ الی ۳۰ مار تلف می‌شوند تا یک مار برای نمایش آماده شود، چون بسیاری از مارها حاضر نیستند در اسارت غذا بخورند و می‌میرند. میمون‌ها را هم گرسنه نگه می‌دارند و فقط پس از انجام رفتار نمایشی موردنظر، به آن‌ها غذا داده می‌شود تا این حیوانات «شرطی شوند» و بیاموزند که از اربابان روزی‌دهنده‌شان اطاعت کنند.^۱

حیوان گناه‌کار

عادت مرسوم و مشترک در اروپا در دوران قرون وسطا، و بعدتر حتی در «دنیای مدرن»، محاکمه و محکوم کردن حیواناتی بود که انسانی را زخمی کرده یا کشته بودند. برای مثال، مجلس فرانسه، عالی‌ترین دادگاه این سرزمین، فرمان اعدام یک گاو را صادر کرد. این حیوان به دار آویخته و سپس سوزانده شد.

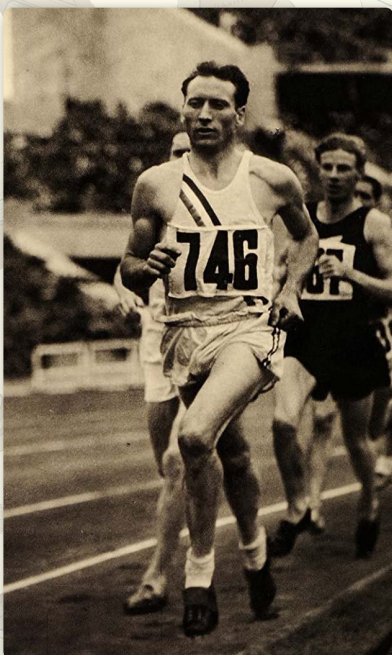
اختراع مرا نخريد

مخترع تلویزیون، فیلو فارنز وُرت^۲، در طول زندگی اش هیچ وقت تلویزیون تماشا نکرد.^۳ او حتی اجازه نمی‌داد فرزندانش تلویزیون تماشا کنند و به آن‌ها می‌گفت: «تلویزیون هیچ چیزی نشان نمی‌دهد که ارزش تماشا کردن داشته باشد. در این خانه قرار نیست ما تلویزیون تماشا کنیم و من اصلاً نمی‌خواهم که در برنامه‌ی آموزشی و فرهنگی شما، چنین چیزی قرار داشته باشد.»^۴



هرگز نمی‌توانی...

«گلن کانینگهام»، هنگامی که هشت ساله بود به شدت سوخت و به او گفته شد که دیگر هرگز قادر به راه رفتن نخواهد بود. در واقع، بیشتر از دو سال طول کشید تا او توانست پای راستش را صاف کند. کانینگهام یکی از بزرگ‌ترین دونده‌های عصر خود شد، و زمانی پنج رکورد اصلی مسابقات دو دنیا از آن او بود.^۵



مشورت

یک شرکت ژاپنی، برای تصمیم‌گیری درباره این که دفترهایش را در کدام طبقه از یکی از آسمان‌خراش‌های ۱۱۰ طبقه‌ای «مرکز تجارت جهانی» در نیویورک، دایر کند، از یک فال‌گیر کمک گرفت. برج‌های تجارت جهانی، در عملیات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ویران شدند.^۶



دانش آموزِ توقف‌ناپذیر

«آلدوس هاکسلی»، با این که نابینا نبود و فقط دید چشمش ضعیف شده بود، خط مخصوص نابینایان را فرا گرفت تا بتواند چشمان دردآلودش را استراحت بدهد و از کتاب خواندن که آن قدر از آن لذت می‌برد دست نکشد. هاکسلی می‌گفت که یکی از خوشی‌های وی، کتاب‌خواندن در تاریکی شب و در رختخواب است، در حالی که کتاب و دستانش زیر پتو قرار دارند.

«این کشور خدمت شما!»

ایرلند را یک پاپ به پادشاه انگلستان بخشید. پاپ الکساندر سوم برای از بین بردن رسوم ایرلندی که با تعلیمات کلیسای کاتولیک در تضاد بود، هانری دوم پادشاه انگلستان را حاکم قانونی ایرلند اعلام کرد. صدور فرمان پاپ در سال ۱۳۷۲ میلادی منجر به تصرف ایرلند به‌وسیله‌ی انگلیسی‌ها شد. چند قرن طول کشید تا ایرلندی‌ها توانستند دوباره استقلال خود را به‌دست آورند.

اعتماد به نفسِ پاشنه‌بلند

یکی از مُدهایی که در طول تاریخ گهگاه بسیار مورد توجه واقع شده، کفش پاشنه‌بلند است. لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه، که قدش تقریباً از همه‌ی مردم کوتاه‌تر بود و از این بابت بی‌اندازه ناراحت بود، به کفش‌گر سلطنتی دستور داد برایش کفشِ تختِ کلفتی با پاشنه‌ی فوق‌العاده بلند بسازد.

به تقلید از این پادشاه کوتاه‌قد، بسیاری از مردم شروع به آزمایش پاشنه‌های بلندتر و بزرگ‌تر کردند. با گذشتِ زمان، این مُد در میان برخی از زنان ماندگار شد و با وجود آسیب‌هایی که به بدن وارد می‌کرد و دشواری‌های حرکتی‌ای که ایجاد می‌نمود، ادامه یافت. در واقع، در اواخر قرن هفدهم بعضی از زنان اشراف، چنان کفش‌های پاشنه‌بلندی می‌پوشیدند که حتی نمی‌توانستند با آن راه بروند. آن‌ها برای این که زمین نخورند، خدمت‌کار استخدام می‌کردند تا هنگام رفتن از جایی به جای دیگر به آن‌ها تکیه بدهند!



(۱) «آیا می‌دانید...»، بتیو ساگال، مترجم نادر محمدزاده، انتشارات طلایه، ص ۱۲۴.

۲) Philo Farnsworth

۳) «When Television Was Young», By Ed McMahon, David C. Fisher, p. 15-16.

(۴) «اختراعات شیطانی»، نیک آرنولد، مترجم محمود مزینانی، نشر پدایش، ص ۱۴۶.

(۵) «هزار و یک شگفتی»، ایزاک آسیموف، ترجمه‌ی پروانه‌ی مکانیک، شهریورماه ۱۳۶۲، چاپخانه‌ی رشدیه.

(۶) این بخش و سایر بخش‌های بعد، همگی از کتاب «هزار و یک شگفتی» ایزاک آسیموف نقل شده‌اند.